



روزنامه نگار

علیه جهانپخش

جمعه شب بار دیگر رئیس دولت تروریستی آمریکا در لفاظی های انتخاباتی تلاش کرد با ادعای بی اتربودن توان دفاعی ایران، استیصال و سردرگمی خود در برابر کشورمان را پنهان کند. او که رؤیای ریاست جمهوری در دوره بعدی آمریکا را دارد، زمزمه هایی برای تغییر قانون اساسی و ماندن در قدرت را با توهم همیشگی اش دنبال می کند و به هر دستاویزی برای پیروز نشان دادن خود در تقابل با ایران نیازمند است. از سوی دیگر، تحولات هم زمان از بیروت و دمشق تا تنگه هرمز و بازارهای مالی آمریکا نشان می دهد واشنگتن با یک گره کور راهبردی روبه رو شده است. جمهوری اسلامی ایران نه یک متغیر قابل حذف بلکه محور اصلی موازنه قدرت در منطقه است. حقیقتی که طراحان سیاست خارجی آمریکا را ناچار کرده است اعتراف کنند هیچ معادله ای در این جغرافیا بدون تعامل با ایران ممکن نیست.

بن بست واشنگتن در بازتعریف نظم منطقه ای

تلاش های چند ساله آمریکا و رژیم صهیونیستی برای طراحی نظم جدید در غرب آسیا بدون در نظر گرفتن منافع و اقتدار جمهوری اسلامی ایران، به بن بستی آشکار رسیده است. برخلاف جریان سازی های تبلیغاتی کاخ سفید که از تضعیف نفوذ منطقه ای ایران سخن می گویند، دستگاه دیپلماسی و امنیتی آمریکا در مواجهه با واقعیت های میدانی به این جمع بندی رسیده است که هرگونه تلاش برای شکل دهی به ترتیبات سیاسی در منطقه، بدون نقش آفرینی ایران عملا محکوم به شکست است. حتی تام بارک، فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور سوریه و عراق، نیز در گفت وگویی به تازگی به این حقیقت اشاره کرده و با تأکید بر اینکه تصمیم گیرندگان اصلی پای میز مذاکره نیستند، اذعان کرده است که بحران هایی نظیر پرونده لبنان بدون مشارکت و اراده ایران و حزب... هرگز حل و فصل نخواهد شد. این اعترافات صریح، بطلان فرضیه انزوای ایران را اثبات می کند و نشان می دهد تهران به نقطه انکای هرگونه تصمیم سازی امنیتی و سیاسی در غرب آسیا بدل شده است.

وحشت تل آویوز از سد بازدارندگی

سایه اقتدار و توان بازدارندگی دفاعی ایران حتی محاسبات رژیم صهیونیستی در کشورهای پیرامونی را نیز فلج کرده است. تحرکات و تجاوزهای هوایی اخیر اسرائیل در عمق خاک سوریه، از جمله حمله به پایگاه ابوالظهور، بیش از آنکه یک مانور تهاجمی مستقل باشد، ناشی از هراس شدید تل آویوز از استحکام سامانه ها و عمق دفاعی جمهوری اسلامی است. مقامات آمریکایی اذعان کرده اند که رژیم صهیونیستی به دنبال پاک سازی آسمان سوریه از سامانه های پدافندی و تجهیزات است که دسترسی هوایی به حریم ایران را مسدود کرده اند. زیرا تل آویو به خوبی می داند بدون حذف این موانع، هرگونه ماجراجویی علیه خاک ایران به کابوسی پرهزینه تبدیل خواهد شد. حرکت پرمخاطره جنگنده های اسرائیلی در مرزهای شمالی که حتی تا آستانه واکنش مستقیم نیروی هوایی ترکیه و بروز یک بحران منطقه ای بزرگ پیش رفت، نشان دهنده دستپاچی و آشفتنگی ساختار نظامی اسرائیل در مواجهه با خطوط قرمز ایران است.

تحولات منطقه ای، ناتوانی آمریکا در حذف ایران را بیش از همیشه آشکار کرده است

همه راه ها به ایران ختم می شود

بحران به خزانه داری آمریکا رسید

فشار حداکثری و رجخوانی های ترامپ درباره آغاز بزرگ ترین تحریم ها و انزوای مالی تاریخ علیه ایران، نه تنها بازدارندگی ایران در برابر هر فشار سیاسی را متوقف نمی کند، که به نظر می رسد تبعات منفی آن مستقیم به قلب ساختار مالی آمریکا اصابت کرده است. هم زمان با تهدیدهای اقتصادی واشنگتن، بازارهای مالی آمریکا با شوک سنگینی روبه رو شدند؛ سقوط شاخص های سهام، ثبت ضعیف ترین عملکرد شاخص داو جونز، افزایش قیمت نفت برنت به کانال بیش از ۹۰ دلار و جهش بازده اوراق قرضه سی ساله خزانه داری آمریکا به بالاترین رقم در دو دهه گذشته، نشان داد بازارها ادعاهای کاخ سفید را باور ندارند. این تلاطم اقتصادی چنان فشاری به ساختار مدیریتی آمریکا وارد کرد که وزارت خزانه داری این کشور با خروج گسترده ده ها مقام ارشد و مدیر با سابقه روبه رو شد. ناتوانی خزانه داری در کنترل پیامدهای ناشی از تقابل با ایران در کنار کوه بدهی های مالی، اثبات کرد که حربه تحریم و شوک های مالی، به چالشی هزینه ساز برای خود آمریکا تبدیل شده است.

تناقض در مذاکره و لفاظی های همیشگی

رفتار متناقض ترامپ در مواجهه با ایران، جایی که از یک سو مدعی ناتوانی تهران می شود و گزینه تجاوز مجدد را مطرح می کند و از سوی دیگر از اشتیاق برای رسیدن به توافق و نبود طرف مذاکره سخن می گوید، ریشه در بحران هویت سیاسی او در داخل آمریکا دارد. ترامپ که با فشارهای فزاینده در آستانه انتخابات میان دوره ای، شکست چهره های مورد حمایتش در رقابت های مقدماتی و حتی به چالش کشیده شدن بنیان های دموکراسی آمریکا روبه روست،

با پیش کشیدن پرونده ایران به دنبال ساختن ابزاری برای هیجان زده کردن پایگاه رای خود و فرار از فشارهای داخلی است. اصرار او بر حضور فرضی نامش در برگه های رأی و زمزمه تغییر قانون اساسی برای ماندن در قدرت، پرده از بحران عمیق سیاسی در واشنگتن برمی دارد؛ بحرانی که کاخ سفید تلاش می کند با نمایش قدرت پوشالی در برابر ایران، آن را توجیه کند.

تثبیت برتری ایران

تصویر نهایی تحولات غرب آسیا حاکی از تثبیت دست برتر جمهوری اسلامی ایران است. آمریکا و متحدان منطقه ای آن درحالی ناچار به عقب نشینی تدریجی و بازبینی در حضور نظامی خود در کشورهای چون عراق و کویت شده اند که ایران با تکیه بر قدرت بومی، عمق راهبردی و اشراف امنیتی، خطوط اصلی بازی را تعیین می کند. بحران های غرب آسیا نه با طرح های تحمیلی واشنگتن حل می شوند و نه با ماجراجویی های رژیم صهیونیستی به نتیجه می رسند. واقعیت انکارناپذیر این است که گره همه معادلات منطقه ای از امنیت انرژی در خلیج فارس تا ثبات سیاسی در شامات فقط با پذیرش جایگاه محوری، حاکمیت مقتدرانه و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باز خواهد شد.

چین بار دیگر از ایران حمایت کرد

بی اثر شدن اهرم های فشار واشنگتن، این بار در تقابل با دیپلماسی صریح پکن به وضوح آشکار شد. اصرار مقامات چینی بر غیرقانونی خواندن تحریم های یک جانبه آمریکا علیه حامیان ایران، نشان دهنده پایان عصر یکه تازی واشنگتن در نظام بین الملل است.

آمریکا که در مواجهه با اقتدار بازدارندگی نظامی ایران، ناچار به عقب نشینی از گزینه های تهاجمی شده بود، حالادر جنبه اقتصاد نیز با سدی محکم مواجه شده است. اینکه تهدیدات ترامپ علیه کشورهایی که با ایران همکاری دارند، بار دیگر به تعویق افتاده است و به دستور اجرایی بدل نمی شود، چیزی جز اعتراف تلخ دستگاه سیاست خارجی آمریکا به ناکارآمدی جنگ اقتصادی نیست. واشنگتن در دوره جدید ریاست جمهوری ترامپ، بیش از پانصد سند تحریمی علیه افراد، شرکت ها، بنادر و نفت کش های مرتبط با ایران صادر کرده است. اما این انبوه کاغذبازی های خصمانه، نه تنها مانع تعاملات راهبردی ایران نشده، بلکه گواهی بر استیصال هژمونی رو به زوال آمریکاست.

حقیقت میدانی ساده و روشن است: ایران با انکا به ظرفیت های درونی و شرکای راهبردی، از حصار این تحریم ها عبور کرده است. ماشین فرسوده تحریم آمریکا، دیگر قدرت درک تحولات نظم نوین جهانی را ندارد و در برابر اراده ایران، به ابزاری نمایشی تبدیل شده که حتی متحدان بزرگ واشنگتن را نیز برای ایستادن در برابر دیکته های کاخ سفید جسورتر کرده است.

جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران اعلان جنگ به همه دولت هاست

سختگوی وزارت امور خارجه جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران را نقض حاکمیت ملی همه کشورها و اعلان جنگ به همه دولت ها خواند و گفت: نتیجه نهایی این وضعیت، فرسایش کامل حاکمیت ملی به عنوان اصل بنیادین نظام روابط بین الدولی مبتنی بر منشور ملل متحد خواهد بود و مقدمه بازگشت فاجعه بار به استعمار عربان و تمام عیار.

اسماعیل بقایی در واکنش به اعلام تحریم های جدید اقتصادی علیه ایران بیان کرد: اعلام تحریم های اقتصادی ی جدید آمریکا علیه ایران، بسیار فراتر از ادامه «جنگ اقتصادی» غیرقانونی علیه یک کشور واحد است. این اقدام به منزله تلاش برای اعمال حاکمیت فراسرزمینی آمریکا بر همه دولت های مستقل عضو سازمان ملل متحد به شمار می رود. سختگوی دستگاه دیپلماسی بیان کرد: هیچ دولتی حق ندارد بانک ها، بنگاه ها یا فرودگاه های خارجی را که هر یک تحت صلاحیت انحصاری حاکمیت خود هستند، وادار کند از تجارت مشروع با کشوری ثالث خودداری کنند.



نخستین بار صورت گرفت

تصویب عناوین درسی مدارس بین الملل

است. بر اساس این چارچوب، برنامه درسی کلی مشخص می شود و سپس تعیین خواهد شد که مدارس در هر پایه و برای هر عنوان درسی، امکان استفاده از چه کتاب هایی را دارند.

لطیفی افزود: پس از مشخص شدن این چارچوب، مرکز امور بین الملل باید متناسب با آن، کتاب های مورد استفاده در هر دوره تحصیلی و پایه را مشخص و برای مدارس ابلاغ کند. این موضوع، هم مدارس ایرانی خارج از کشور و هم مدارس بین الملل داخل کشور را شامل می شود که تعداد آن ها اکنون حدود هشت ۹۰ مدرسه است.

وی بیان کرد: برخی از این کتاب ها احتمالاً توسط مرکز امور بین الملل و مدارس خارج از کشور تولید خواهد شد و بخشی دیگر نیز از میان کتاب های بین المللی موجود و معتبر انتخاب می شود و با اعمال تغییرات و بومی سازی متناسب با شرایط کشور مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

معاون وزیر آموزش و پرورش تصریح کرد: چارچوب اصلی برنامه درسی مدارس بین الملل، برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. اما مدارس می توانند در برخی عناوین درسی، با توجه به اقتضانات خاص خود، از کتاب های بین المللی معتبر و استاندارد نیز استفاده کنند. مشروط بر اینکه الزامات مربوط به بومی سازی و چارچوب های تعیین شده رعایت شود.

عناوین درسی مدارس بین الملل، نخستین بار از زمان تأسیس این مدارس در کشور، به صورت مدون تدوین شد و پس از تأیید سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسید. به گزارش ایرنا، نشست تلفیق کمیسیون برنامه درسی و تربیتی و کمیته مدارس اتباع خارجی و بین الملل شورای عالی آموزش و پرورش، با حضور محمد امانی طهرانی دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش، حجت الاسلام والمسلمین علی لطیفی رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی، محمد سلیمی رئیس مرکز امور بین الملل و مدارس خارج از کشور، فرید رضایی رئیس اداره ارزشیابی مدارک تحصیلی خارجی و مدارس بین الملل و جمعی از اعضای دو کمیسیون، در سالن جلسات دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش برگزار شد. رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش درباره محتوای کتب درسی در مدارس ایرانی خارج از کشور و مدارس بین الملل در داخل کشور بیان کرد: بر اساس اساسنامه جدید، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در زمینه مدارس بین الملل مسئولیت دارد و چارچوب برنامه درسی این مدارس را با مرکز امور بین الملل و مدارس خارج از کشور هماهنگ و تدوین می کند.

وی ادامه داد: در همین راستا، جدول برنامه درسی به تفکیک همه پایه ها آماده و برای مرکز ارسال شده

ادامه یادداشت

... ممکن است جامعه در مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با مطالبات و اختلاف نظرهای مختلفی مواجه باشد، اما تجربه نشان داده است که تهدید خارجی می تواند مسئله امنیت ملی و تمامیت ارضی را به یک نقطه مشترک در میان بخش هایی از جامعه تبدیل کند. این همان جایی است که مفهوم انسجام ملی از یک شعار سیاسی فراتی می رود و به یک ظرفیت راهبردی تبدیل می شود. در سوی دیگر، نیروهای مسلح ایران نیز طی سال های گذشته بر توسعه توان بازدارندگی و افزایش ظرفیت دفاعی کشور تأکید داشته اند. آنچه در رویارویی های اخیر به نمایش گذاشته شده، از منظر نظامی حامل یک پیام مشخص است. هرگونه محاسبه درباره ایران باید هزینه ها و پیامدهای یک تقابل مستقیم را نیز در نظر بگیرد. قدرت نظامی زمانی بیشترین کارکرد را دارد که بتواند از وقوع جنگ جلوگیری کند، به همین دلیل، بازدارندگی را نباید صرفاً در توانایی وارد کردن ضربه جست و جو کرد، بلکه باید آن را در توانایی ایجاد تردید در محاسبات طرف مقابل نیز دید. در چنین شرایطی، دشمن نمی تواند صرفاً بر فشار خارجی یا تهدید نظامی تکیه کند و انتظار داشته باشد جامعه ایران بدون واکنش باقی بماند. جامعه ایران مطالبات اقتصادی و اجتماعی متعددی دارد و حل این مسائل، خود یکی از پایه های تقویت سرمایه اجتماعی است. اما در شرایط تهدید خارجی، مدیریت اختلافات و تبدیل آن ها به گفت وگو سازنده، اهمیت دوچندان پیدا می کند. انسجام پایدار زمانی شکل می گیرد که مردم احساس کنند در تعیین سرنوشت کشور نقش دارند و مطالباتشان شنیده می شود. امروز شاید مهم ترین مؤلفه قدرت ایران، ترکیب سه عنصر باشد: جامعه ای که در برابر تهدید خارجی حساس است، نیروهای مسلحی که بر توان بازدارندگی تکیه دارند و ساختاری سیاسی که وظیفه هدایت و مدیریت این ظرفیت ها را برعهده دارد. اگر این سه مؤلفه در کنار یکدیگر قرار گیرند، محاسبه هر قدرت خارجی درباره ایران پیچیده تر خواهد شد.